

## عنوان مقاله:

تاملی در نظریه های امنیت بین المللی (قبل و بعد از فروپاشی شوروی)

## محل انتشار:

فصلنامه علوم سیاسی، دوره 3، شماره 4 (سال: 1379)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

## نویسنده:

سیدعبدالقیوم سجادی - سیدعبدالقیوم سجادی

## خلاصه مقاله:

گفته شد تحولات نظام جهانی، به ویژه دگرگونی نظام جهانی به صورت چشمگیری آرا و نظریه‌پردازیه‌های متفکران سیاسی را تحت تاثیر داشته است. گسترش فزاینده پارادایم نهادگرایی و سیاست همکاری جهانی که بر اساس رشد روز افزون وابستگی متقابل جهانی استوار می‌باشد، از اثرات عمده تحول بین المللی محسوب میگردد. این تحولات بالطبع با تحول جدی مفاهیم سیاسی و بین المللی و از جمله امنیت جهانی همراه بوده است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان یک قطب اصلی قدرت جهانی و رخدادهای بین المللی پس از آن نظیر: اتحاد دو آلمان و فرو ریختن دیوار برلین، استقلال جمهوریهای وابسته، پایان رقابت تسلیحاتی و جنگ سرد شرق و غرب و بالاخره، تغییر ساختار قدرت جهانی، هر یک به صورت جدی در دگرگونی مفهوم امنیت جهانی باز تاب داشته‌اند. در این نوشتار ضمن مقایسه کوتاه مفهوم امنیت در دوره جنگ سرد و پس از آن، محورهایی چون: چند لایه شدن مفهوم امنیت و تمرکز متفکران بر بعد جمعی و اقتصادی امنیت به عنوان چهره غالب مطالعات امنیتی دوره پس از فروپاشی مطرح گردید. در یک برآورد کلی میتوان گفت؛ هر چند توجه بر بعد نظامی امنیت در هر دو مقطع مزبور قابل شناسایی است؛ اما وجه امتیاز، در تاکید بر جنبه نظامی آن در دوره جنگ سرد و تمرکز بر بعد اقتصادی امنیت پس از آن، مورد توجه اکثر متفکران قرار گرفته است. تجزیه ناپذیری و غیر قابل تقسیم بودن امنیت، از دیگر تمایزات برداشت متفکران در هر دو مقطع است که پس از فروپاشی شوروی، امنیت بینالمللی، به مفهوم امنیت کشورها با توجه به امنیت دیگران مورد توجه قرار میگیرد. در این تلقی، امنیت هیچ واحدی به صورت مجزا از امنیت دیگران مطالعه نمیشود. وبالاخره این که، افزایش وابستگی متقابل نظام جهانی، ضرورت درک جدید از امنیت بین المللی را مطرح نموده، که لازم است پژوهشگران مسائلی امنیتی تعاریف و عناصر سنتی مفهوم امنیت را مورد بازخوانی جدی قرار دهند.

## کلمات کلیدی:

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1748482>

